ستارگان درخشان : حديث كساء و آثار شگفت آن

ميرسيدعلي موحد ابطحي اصفهاني

روشـن است كه براى ارتباط با خداوند عالم، هـيچ‌گونه محدوديت مكانى وجود ندارد. در هر مكانى مى‌توان با پروردگار عالم ارتباط برقرار كرد و حاجات خود را از او طلبيد؛ ولى مسلم است كه مكان‌هاى پاك و مقدس، از يك سو، در ايجاد زمينه‌ى روحى بهتر، براى توجه قلبى به عالم اعلا و از سوى ديگر، به دليل عنايات خاص پروردگار به آن مكان‌ها، داراى آثار ويژه‌اى هستند. آن‌چه در جمع بندى روايات در ارتباط با مكان دعا قابل بيان است، آن‌كـه اگـر دعـا و نـيـايـش در مكان‌هايى چون مسجدالحرام، كنار خانه‌ى كعبه، حرم مطهر امام حسين(عليه السلام) به ويژه زير قبّه آن بزرگوار[1] و اگر هيچ يك از اين‌ها ميسر نشد، در مسجد مقدسى صورت گيرد، زودتر به نتيجه مى‌رسد. به منظور روشن شدن نقش مكان در استجابت دعا به ذكر يك روايت بسنده مى‌كنيم.

 خداوند دوست دارد در مكان‌هايى او را ياد كنند

 ابوهاشم جعفرى، يكى از ياران برجسته‌ى امام هادى(عليه السلام) مى‌گويد: روزى امام(عليه السلام) بيمار شدند و از من و محمد بن حمزهـ از ديگر ياران حضرتـ خواستند كه نزد ايشان برويم. محمد بن حمزه پيش از من نزد امام(عليه السلام) رفته بود و پس از بازگشت از منزل امام(عليه السلام)، به من گفت: حضرت مى‌خواهند كسى را به كربلا بفرستيم تا در حرم امام حسين(عليه السلام) براى شفاى ايشان دعا كند. به محمد بن حمزه گفتم: چرا به امام(عليه السلام) جواب مثبت ندادى؟ من خود به كربلا مى‌روم و براى شفاى حضرت دعا مى‌كنم. پس از آن وقتى به خانه‌ى امام هادى(عليه السلام) رفتم و خدمت ايشان رسيـدم، در پـاسـخ به خواسته‌ى حضرت گفتم: فدايتان شوم! خودم به كربلا مى‌روم و در آن‌جا براى شمـا دعـا مـى‌كنـم. پـس از آن از محضـر امـام هـادى(عليه السلام) مرخص شدم. در راه، على بن بـلالـ يكى از ياران امام(عليه السلام)

 ـ را ديدم و دستور امام را به اطلاع او رساندم. على بن بلال با تعجب پرسيد: امام هادى(عليه السلام) به كربلا چه كار دارند؟ ايشان خود امام هستند و عظمت دارند و عظمت ايشان كمتر از كربلا نيست و ...

 ديگر بار نزد امام(عليه السلام) رفتم و سخن على بن بلال را خدمت ايشان عرض كردم. امام در پـاسـخ سـخـن او فـرمودند: به على بن بلال مى‌گفتى كه رسول خدا( صلي الله عليه و آله ) با آن‌كه عظمتشان از كعبه و حجرالاسود برتر بود، به دور كـعـبــه طـواف مـى‌كـردنـد و حـجـرالاسـود را مى‌بوسيدند. با آن‌كه حرمت مؤمن از كعبه برتر است، ‌خداوند دستور داده است كه مؤمنان دور كعبه طواف كنند. پس مكان‌هايى وجود دارد كه خداوند دوست دارد در آن‌ها او را ياد كنند و از او چيزى بخواهند. من هم دوست دارم كه در اين گونه مكان‌ها ]‌كه نمونه‌اى از آن كربلاست‌[ برايم دعا شود.

 سپس امام(عليه السلام) خطاب به من فرمودند: «اى ابوهاشم! چرا اين مطالب را به على بن بلال نگفتى؟» من در پاسخ عرض كردم: «فدايتان شوم! اگر من نيز به اين خوبى اين نكات را مى‌دانستم، به طور حتم آن‌ها را به او مى‌گفتم و در مورد دستور شما چون و چرا نمى‌كردم».[2]

 تسليم بودن در برابر ولايت اهل بيت(عليهم السلام)، شرط پذيرش دعا از سوى خداوند است

 اگر چه هرگونه توجهى به پروردگار عالم تأثيرى انكار ناپذير دارد، ولى اين نكته را نيز بايد در نظر گرفت كه براى وارد شدن به هرجا و كسب توفيق كامل در هر كار، بايد از راه آن وارد شد. قرآن مجيد در اين زمينه مى‌فرمايد: «وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اتَّقَى وَاْءْتُـوا الْبُيُـوتَ مِـنْ اْءَبْـوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ».[3]

 بهترين راه در زمينه‌ى دعا و توسل، ‌راه‌هايى است كه اهل بيت عصمت و طهارت(عليهم السلام) خود به ما نشان داده‌اند و آن، پذيرفتن ولايت آن‌ها و تلاش و كوشش خالصانه در اين راه است. محمـدبن مسلم، از اصحاب امام باقر و امام صادق(عليه السلام)، در حديثى نقل مى‌كند: ‌ ‌

 از امام(عليه السلام) پرسيدم: كسى را مى‌شناسيم كه در عبادت، خضوع و خشوع بسيار دارد، ولى امامت شما را نپذيرفته است؛ آيا عبادت‌ها و كـوشش‌هاى دينى او به حالش سودى دارد؟ امام(عليه السلام) در پاسخ فرمودند: اى ابامحمد! مثال ما اهل بيت، مثال آن خاندانى است كه در بنى اسرائيل بودند كه هرگاه چهل شب به درگاه خـدا راز و نياز مى‌كردند، دعايشان به اجابت مى‌رسيد، ولى يكى از آن‌ها چهل شب عبادت و راز و نياز كرد و دعايش مستجاب نشد. آن شخص نزد حضرت عيسى(عليه السلام) رفت و گلايه كرد و از آن بزرگوار خواست كه براى او دعا كنند. حضرت عيسى(عليه السلام) وضو گرفتند و نمازى خواندند و براى آن شخص دعا كردند. پس از آن، خداوند به پيامبرش وحى فرمود: بنده‌ى من از غير آن درى كه بايد نزدم آيد، آمد و دلش به نبوت شما ثبات و قرار نداشت و به همين دليل دعايش مستجاب نگرديد.

 اين حديث شريف نشان مى‌دهد كه اعتقاد كامل و يقين استوار به پروردگار عالم، ‌پيامبر گرامى و ائمه اطهار(عليهم السلام)، شرط لازم براى استجابت دعاست و بدون باور داشتن ولايت اهـل بـيـت(عليهم السلام)، استجابت دعا با مانع روبه‌رو خواهد شد. ذكر حكاياتى چند در زمينه‌ى نقش اعتقاد به ولايت اهل بيت(عليهم السلام) و تلاش در راه آن‌ها در استجابت دعاها، مى‌تواند در توجه و آماده ساختن هرچه بيشتر خوانندگان عزيز سودمند افتد.

 انگشتى كه براى اهل بيت(عليهم السلام)

 قلم مى‌زند بايد شفا بخش باشد

 نقل است زمانى فرزند محدث كبير، مرحوم آيت الله حاج شيخ عباس قمى، صاحب كتاب‌هاى متعدد علمى و كتاب مشهور "مفاتيح الجنان"، دچار عارضه بسيار سختى مى‌شود و آقايان پزشكان از معالجه او نوميد مى‌شوند. خبر به حاج شيخ عباس قمى مى‌رسد؛ ايشان در همان حال، انگشت خود را در استكان چاى مى‌زنند و مى‌گويند اين را به فرزندم بدهيد بخورد. اطرافيان همين كار را انـجـام مى‌دهند و بيمارى فرزند ايشان رو به بهبود مى‌رود. از مرحوم حاج شيخ عباس قمى مى‌پرسند: بر آن چاى چه دعايى خوانديد، كه اين همه اثر داشت؟ ايشان در پاسخ مى‌گويند: »اگر انگشتى كه يك عمر در مسير اهـل بـيـت(عليهم السلام) قلم زده اسـت؛ چنين اثرى نمى‌داشت، بايد آن را قطع مى‌كردم».

 فضيلت و اثر حديث شريف كساء

 به نقل از رسول خدا( صلي الله عليه و آله )

 در بـخـش نهايى حديث شريف كساء كه راوى آن حضرت فاطمه زهرا (سلام الله عليها) هستند؛ آمده است كه حضرت على(عليه السلام)، از رسول خدا( صلي الله عليه و آله ) پرسيدند: چه اثر و فضيلتى براى اين واقعه از جانب خداوند قرار داده شده است؟ رسول خدا( صلي الله عليه و آله ) در پاسخ فرمودند: «قسم به آن‌كه به حق، مرا به پيامبرى مبعوث كرد، اين حديث در مجلسى از مجالس اهل زمين كه جمعى از دوستان و شيعيان ما در آن باشند، نقل نمى‌شود، مگر اين‌كه از جانب پروردگار عالم بر آن‌ها رحمت نازل مى‌شود و ملائكه بر آن جمع احاطه نموده و براى آن‌ها طلب مغفرت مى‌كنند و اگر در بين آن‌ها انـدوهـناك و غمگينى باشد، اندوه و غمش برطرف مى‌شود». امير مؤمنان على(عليه السلام) پس از شنيدن اين آثار و فضايل فرمودند: »به خدا سوگند! ما و شيعيانمان در دنيا و آخرت رستگار شديم و سعادت يافتيم».

 سند حديث شريف كساء

 تا كنون در تحقيقات انجام شده، درباره‌ى سند حديث شريف كساء، چند سند به دست آمده، كه در ذيل بدان اشاره مى‌شود:

 قديمى‌ترين كتابى كه تا كنون به دست آمده و در بردارنده‌ى بخشى از حديث شريف كساء، به شكل فعلى است، كتاب "غُرَر الاخبار و دُرَر الا~ثار ديلمى]"4[، است كه "محى الدين غريفى [5] در كتاب خود، [6]حديث كساء را به نقل از آن آورده و گفته كه اين نسخه را در كتابخانه‌ى شير محمد همدانى ديده است.

 گفتنـى اسـت مـؤسسـه تحقيقاتى "مكتبة العلامة المجلسى" نسخه‌ى خطى اين كتاب را يافته و در دست تحقيق دارد و به زودى به طبع خواهد رساند. اختلافات ميان اين متن و متن حديث كساء كه منتخب طريحى آن را نقل كرده و حديث كساء كنونى از آن اخذ شده است، نشان دهنده‌ى وجود طرق مختلف براى حديث كساء است. ]

 كتاب ديگرى كه تاريخ كتابت آن، سال 1033 هـ.ق است، در بردارنده‌ى متن و ترجمه‌ى حديث شريف كساء است. نسخه‌ى خطى اين كتاب، در كتابخانه‌ى آيت الله العظمى مرعشى نجفى( رحمه الله عليه) به شماره‌ى 8954 موجود است و از آن نگهدارى مى‌شود.

 كتاب ديگرى كه متن حديث كساء را نقل و آن را از حضرت فاطمه‌ى زهرا (سلام الله عليها) روايت كرده، "منتخب طريحى" است.[7] فخرالدين محمد طريحى )979-1085 هـ .ق( از علماى قرن يازدهم و هم عصر علامه‌ى مجلسى و نويسنده‌ى كتاب‌هاى چندى از جمله "مجمع البحرين"، "تفسير غريب القرآن" و "ضوابط الاسماء و الـرجـال" و ... است. علامه‌ى مجلسى( رحمه الله عليه) و علامه‌ى بحرانى از كتاب "منتخب طريحى" نقل حديث كرده‌اند.(8)

 آيت الله العظمى مرعشى نجفى نيز او را بزرگ داشته و چنيـن ستوده‌اند: »علامه‌ى جليل القدر ثقة و ثبت، "فخـرالدين محمد على الطريحى الاسدى النجفى"، صاحب "مجمع البحرين]. ... "(9)

 يكى ديگر از سندهاى حديث كساء مربوط به علامه "شيخ عبدالله بحرانى"، صاحب كتاب "عوالم العلوم" است. ايشان در حاشيه‌ى كتاب "عوالم "(نسخه‌ى ميرزا سليمان يزد) ، سند حديث شريف كساء را چنين نقل كرده است:

 »راْءيت بخطّ الشيخ الجليل السيّد هاشم، عن شيخه السيّد ماجد البحرانى عن الحسن بن زين الدين الشهيد الثانى، عن شيخه المقدس الاردبيلى، عن شيخه على بن عبدالعالى الكركى، عن الشيخ على بن هلال الجزائرى، عـن الشيخ احمدبن فهدالحلّى، عن الشيخ على بن الـخازن الحائرى. عن الشيخ ضياء الدين على بن الشهيد الاول عن ابيه، عن فخرالمحققين، عن شيخه العلّامة الحلّى، عن شيخه المحقق، عن شيخه ابن نما الحلّى، عـن شيخـه محمد بن ادريس الحلى عن ابن حـمزة الطوسى صاحب "ثاقب المناقب" عن الشيخ الجليل محمد بن شهر آشوب عن الطبرسى صاحب "الاحتجاج" عـن شـيـخه الجليل الحسن بن محمد بن الحسن الطوسى، عن ابيه، شيخ الطائفه، عن شيخه الـمـفـيـد، عن شيخه ابن قولويه القمى عن شيخه الكلينى، عن على بن ابراهيم بن هاشم، عن ابيه، عن احمد بن محمد بن ابى نصر البزنطى عن قاسم بن يحيى الجلاء الكوفى، عن ابى بصير، عن ابان بن تغلب البكرى، عن جابر بن يزيد الجعفى عن جابر بن عبدالله الانصارى عن فاطمة الزهراء (سلام الله عليها) بنت رسول الله( صلي الله عليه و آله )».

 تعدّد منابع موجود در قرن دوازدهم نشان مى‌دهد كه حديث شريف كساء در آن زمان، حديثى شناخته شده بوده است.

 بزرگترين علماى شيعه مستنداً حديث كساء را از حضرت فاطمه زهرا (سلام الله عليها) نقل مى‌كنند

 آيت الله العظمى حاج سيد صادق شيرازى نيز حديث كساء را به اين طريق از جابر بن عبدالله انصارى نقل مى‌كنند:

 «عن والدى، عن الشيخ عباس القمى، عن الميرزا حـسين النورى، عن الشيخ مرتضى الانصارى، عن المولى احمد النراقى، عن السيد بحرالعلوم، عن الوحيد البهبهانى، عن ابيه الشيخ محمد اكمل، عن المولى مـحـمدباقر المجلسى، عن ابيه المولى محمد تقى المجلسى، عن الشيخ البهايى، عن ابيه الشيخ حسين عبدالصمد، عن الشهيد الثانى، عن احمد بن محمد بن خاتون، عن الشيخ عبدالعالى الكركى، عن على بن هلال الجزائرى، عن الشيخ على بن خازن الحائرى، عن احمد بن فهد الحلى، عن ضياء الدين على بن الشهيد الاول، عن ابيه محمد بن مكى العاملى، عن فـخر المحققين عن ابيه العلامه الحلى، عن خاله المحقق الحلى، عن ابن نما، عن محمد بن ادريس الحلى، ‌عن ابن حمزه الطوسى، عن محمد بن شهر آشوب، عن الطبرسى صاحب "الاحتجاج"، عن الحسن بن محمد بن الحسن الطوسى، عن ابيه شيخ الطائفه عن الشيخ المفيد، عن الشيخ الصدوق، عن ابيه عن على بن ابراهيم )حيلولة( و عن ابن قولويه، عن الشيخ الكلينى، عن على بن ابراهيم، عن ابيه ابراهيم بن هاشم، عن احمد بن محمد بن ابى نصر البزنطى، عن القاسم بن يحيى الحذاء الكوفى، عن ابى بصير، عن ابان بن تغلب، عن جابربن يزيد الجحفى، عن جابربن عبدالله انصارى رضوان الله تعالى عليهم جميعاً عن سيّـدتنـا و مـولاتنا الصديقة الكبرى فاطمه الزهراء (سلام الله عليها) بنت رسول الله( صلي الله عليه و آله ) اْءنها قالت دخل علىّ ابى رسول الله( صلي الله عليه و آله ) فى بعض الايام، الى آخر الحديث الشريف».

 از ديگر كتاب‌هايى كه حديث كساء در آن‌ها نقل شده اســـت، مـــى‌تـــوان بـــه رســالــه‌ى "آيــت اللــه بافقى)رحمةالله‌عليه]"(10)[، كتاب "ملحقات احقاق الحق]"(11)[، اثــر حـضــرت آيــت اللــه الـعــظـمــى "مــرعشـى نـجفى)رحمةالله‌عليه"(، كتاب "آية التطهير فى احاديث الـفـريـقين(12)، اثر نگارنده، كتاب "من فقه الزهراء )سـلام‌اللّـه‌علـيها]"(13)[، اثر آيت الله العظمى "سيد محمد شيرازى)رحمةالله‌عليه"، و كتاب "حسين علوى دمشقى"(14)... [ اشاره كرد، كه اين امر نشان از اعتبار اين حديث، نزد نويسندگان آن كتاب‌ها دارد.

 اسرار حديث كساء

 يكى از رمزهاى بزرگ حديث كساء، معرفى جايگاه والاى حضرت زهرا (سلام الله عليها) است. در بخشى از حـديـث، زمـانى كه جبرئيل امين از خداوند متعال مى‌پرسد اين پنج نفرى كه اين همه فضائل دارند و آسمان‌ها و زمين و همه‌ى موجودات به بركت وجود آن بزرگواران خلق شده، چه كسانى هستند؟ خداوند پاسخ مى‌دهد: «هُمْ فاطِمَةُ وَاَبُوها وَبَعلُها وَبَنُوها»: «آنان: فاطمه، پدر، شوهر و فرزندانش هستند». اين عبارت نشان دهنده‌ى جايگاه والا و شناخته شده‌ى حضرت زهرا (سلام الله عليها) در آسمان‌ها و در ميان فرشتگان الهى است.

 توضيح آن‌كه در كتاب‌هاى علمى آمده است كه براى مـعـرفـى يك چيز يا يك شخص، بايد از چيزها يا اشخاصى استفاده كرد كه براى مخاطب آشناتر باشند. در اين بخش از حديث، با وجود چهار شخصيت بزرگ، يعنى وجود مبارك پيامبر اكرم( صلي الله عليه و آله )، حضرت علــى(عليه السلام)، امـام حـسـن(عليه السلام) و امـام حــســيــن(عليه السلام)، وجـود مبـارك حضـرت زهـرا (سلام الله عليها) محور اصحاب كساء معرفى شده‌اند كه آسمان‌ها و زمين و آن‌چه در آن‌هاست به طفيل وجود مبارك آن‌ها خلق شده است. اين معنا در ديگر احاديث معصومان(عليهم السلام) نيز وجود دارد. در حديثى قدسى، خداوند تبارك و تعالى، خطاب به پيامبر اكرم( صلي الله عليه و آله ) مى‌فرمايد: «لولاك لما خلقت الاْءفلاك و لولا على لما خلقتك و لولا فاطمة لما خلقتكما»: [15] «اگر براى تو نبود، افلاك را خلق نمى‌كردم و اگر براى على(عليه السلام) نبود، تو را خلق نمى‌كردم و اگر براى فاطمه (سلام الله عليها) نبود، شـما را خلق نمى‌كردم». اين حديث، نشان از نقش مـحورى حضرت فاطمه (سلام الله عليها) در عالم هستى دارد.

 در روايتى از اهل سنت، ابوهريره از رسول اكرم( صلي الله عليه و آله ) نقل مى‌كند: «پس از آن‌كه حضرت آدم(عليه السلام) به عرش توجه كرد، پنج نور در آن ديد و زمانى كه خداوند در مورد اين پنج نور پرسيد، پاسخ شنيد كه اين پنج نور فرزندان تو هستند و به محبت آن‌هاست كه تو را خلق كردم و اگر اين‌ها نبودند بهشت و دوزخ، عرش و كرسى، آسمان و زمين، فرشتگان و جنيان و آدميان را خلق نمى‌كردم. اى آدم! به عزتم سوگند! اگر كسى به اندازه يك دانه‌ى خردل بغض و كينه‌ى آن‌ها را در دل داشته باشد، وارد آتشش مى‌كنم. اى آدم! اينان برگزيده‌هاى مـن هـسـتند، من به واسطه‌ى آن‌ها مردم را نجات مى‌دهم و هلاك مى‌گردانم. اى آدم! اگر حاجتى داشتى به وسيله‌ى آن‌ها به من توسل بجوى».[16]

 نـكته ديگر ثواب و پاداشى است كه براى برپايى مجلس حديث كساء در نظر گرفته شده است. در حديث كساء مى‌خوانيم: «ما ذكر خبرنا هذا فى محفل من محافل اهل الاْءرض و فيه جمع من شيعتنا و محبينا و فيهم مهموم الا و فرج الله همه، ولا مغموم الا وكشف الله غمّه، ولاطالب حاجة الا وقضى الله حاجته ...». اين ثواب جداى از جنبه‌ى توسل به وجود مطهر حضرت زهرا (سلام الله عليها)، ناظر به ثوابى است كه براى مجالس ذكر اهل بيت عصمت و طهارت(عليهم السلام) قرار داده شده است. در احاديث آمده است كه اهل بيت عصمت و طهارت(عليهم السلام) دوست دارند در مجالسى كه شيعيان بـه ذكـر احـاديـث و مـعـارف اهـل بـيـت(عليهم السلام) مى‌پردازند، حضور يابند و براى كسانى كه امر ولايت آن‌‌ها را زنده نگه مى‌دارند، دعا كنند.[17] ‌ ‌

 بر اين اساس، بندهايى از اين حديث كه بازگو كننده‌ى آن است كه«رحمت خدا بر اهل اين مجالس نازل مى‌شود»، «تا آن‌كه جمع متفرق نشده‌اند، فرشتگان براى آن‌ها طلب آمرزش مى‌كنند»، «اگر در جمع آن‌ها غم‌زده و اندوهگينى باشد، خداوند غم و اندوه او را برطرف مى‌سازد»، «اگر در آن جمع حاجت مندى باشد، خداوند حاجت او را برآورده مى‌سازد» و ...، با توجه به احاديث ديگر مورد تأييد قرار مى‌گيرد.

 حديث كساء در توصيف مجالسى كه در آن جمعى از شيعيان حضور داشته باشند و در آن به ذكر اخبار اهل بيـت(عليهم السلام) بپردازند، آورده است كه: فرشتگان چنين مجلسى را در ميان گرفته و براى آن‌ها طلب مغفرت مى‌كنند.[18] عنايت فرشتگان به مجالس شيعيان و محبـان اهل بيت عصمت و طهارت(عليهم السلام) در روايات ديگر نيز مورد تأكيد قرار گرفته است. براى مثال، عايشه دختر عبدالله بن عاص از رسول خدا( صلي الله عليه و آله ) نقل مى‌كند: «هر جمعى كه گرد هم آيند و فضايل آل محمد(عليهم السلام) را نقل كنند، فرشتگان از آسمان‌ها فرود مى‌آيند و به جمع آن‌ها مى‌پيوندند و وقتى آن گروه متفرق مى‌شوند و فرشتگان به آسمان‌ها بالا روند، ديگر ملائكه از آن‌ها مى‌پرسند: بوى خوشى از شما استشمام مى‌كنيم كه نظير آن را تا كنون احساس نكرده‌ايم. آن‌ها هم در پاسخ مى‌گويند: ما در مجلسى بوديم كه اخبار آل محمد( صلي الله عليه و آله ) در آن نقل مى‌شد. آن ملائكه مى‌گويند: ما را هم به آن‌جا ببريد تا از باقى مانده‌ى عطر آن مجلس بهره ببريم».[19]

 شفاى جوان مسيحى مبتلا به سرطان خون

 به بركت حديث كساء

 از طرف مرحوم آيت الله العظمى حاج "سيد محمد شيرازى(رحمةالله‌عليه)" ، حسينيه‌اى در ايالت واشنگتن آمريكا، به نام حسنيه‌ى «الرسول الاْءعظم( صلي الله عليه و آله )» تأسيس شده است. دهه‌ى فاطميه در اين حسينيه مراسم عزادارى براى حضرت زهرا (سلام الله عليها) برپا و در شب‌هاى جمعه، مراسم دعا و توسل و قرائت حديث شريف كساء برقرار است. يكى از روحانيان بزرگوارى كه از سوى بيت آيت الله العظمى شيرازى، در آن مركز بزرگ دينى، انجام وظيفه مى‌كند، نقل كرده است: روزى در يكى از خيابان‌هاى واشنگتن، پشت چراغ قرمز، منتظر آزاد شدن راه بودم. در اين هنگام يك خانم بى حجاب، با گريه‌ى شديد، به طرف اتومبيل من آمد و گفت: ‌حاج آقا! شما ايرانى هستيد؟ گفتم: بله. ‌ ‌

 گفت: التماس دعا دارم؛ من يك جوان نوزده ساله دارم كه به سرطان خون مبتلا و در بيمارستان بسترى است، حالش هم بسيار بد است. در جواب آن خانم گفتم: «شب جمعه به حسينيه‌ى رسول اعظم( صلي الله عليه و آله ) بياييد و در مجلس حديث كساء شركت كنيد، تا به بركت توسل به حضرت زهرا (سلام الله عليها) مشكل شما مرتفع شود». آن خانم شب جمعه به حسينيه آمد و دعا كرد. از قندهايى كه براى تبرك در جلسه‌ى حديث كساء به حاضران داده مى‌شد و قدرى شُله‌زرد نذرى به آن خانم دادم و گفتم: از اين‌ها قدرى به جوان سرطانى خود بدهيد. وى در جواب من گفت: پسرم نمى‌تواند چيزى بخورد. از او خواستم كه حتى اگر شده يك ذره از اين شله‌زرد را در دهان او بگذارد.

 دو روز بعد ديدم كه خانم گريه‌كنان به حسينيه آمد. اول خيال كردم كه جوانش فوت كرده؛ خواستم به او تسليت بگويم، ولى او هنگامى كه نزديك شد، رو به من كرد و پس از سلام گفت: حاج آقا، وقتى مقدارى از آن شله‌زرد را در دهان جوان گذاشتم، فوراً چشمش را باز كرد و حالش خوب شد. پس از آن، پزشكان بيمارستان براى بررسى حال او جلسه‌ى مشورتى تشكيل دادند و در نهايت اظهار داشتند كه حضرت مسيح(عليه السلام) او را شفا داده است؛ ولى من به آن‌ها گفتم كه به يقين، او شفـا يـافته‌ى امام حسين(عليه السلام) و حضرت زهرا (سلام الله عليها) و حديث كساء است.

 آن خانم در نوبت‌هاى بعد با حجاب اسلامى، در جلسه حديث كساء شركت مى‌كرد و جريان زندگى خود و شفا يافتن فرزندش را براى حاضران تعريف مى‌كرد و مى‌گفت: من مسيحى بودم؛ بيست سال قبل به هنگام حاملگى در ايران حضور داشتم، شوهرم را از دست دادم و پس از آن به آمريكا آمدم. در ايران، تبليغات هيچ يك از علماى بزرگ نتوانست مرا مسلمان كند؛ ولى امروز به بركت امام حسين(عليه السلام) و حضرت زهرا (سلام الله عليها) و حديث كساء مسلمان شده‌ام. وى مرتب بر اين جمله تـأكيـد مـى‌كـرد كـه حـديـث كسـاء و حضرت زهرا (سلام الله عليها) مرا به سوى اسلام هدايت كرده است(20)

 (ادامه‌ى قضايا در شماره آينده)

 [1] ـ در زيارت ناحيه مقدسه آمده است كه دعا در زير قبه‌ى حضرت سيدالشهداء(عليه السلام) مستجاب است: «السلام على من الاجابة تحت قبته»: «سلام بر آن‌كه اجابت دعا در زير قبه‌ى اوست»؛ همچنين در روايتى ديگر آمده است: «الشفاء فى تربته و اجابة الدعاء عند قبره»: «شفا در تربت او و اجابت دعا در كنار قبر اوست». )حر عاملى، وسائل الشيعه، ج14، باب37 و 76.(

 [2] ـ ابن قولويه، كامل الزيارات، ص273؛ مجلسى، بحارالانوار، ج50، ص224.

 [3] ـ بقره/189

 [4] ـ ابو محمد الحسن بن محمد ديلمى، صاحب كتاب "ارشاد القلوب"، از علماى بزرگ قرن هشتم هجرى.

 [5] ـ از شاگردان آيت الله العظمى خويى (رحمةالله‌عليه).

 ]6[ ـ غريفى، محيى الدين، آية التطهير، ص88

 [7] ـ منتخب طريحى، ص259 (چاپ لبنان).

 ]8[ ـ براى مثال، مجلسى، بحارالانوار، ج44، ص242 - 244؛ بحرانى، عوالم العلوم، ج17/ص101-104.

 [9] ـ مرعشى نجفى، سيد شهاب الدين، "ملحقات احقاق الحق"، ج2، ص557

 [10] ـ نسخه اين رساله خطى نزد نگارنده موجود است.

 [11] ـ مرعشى نجفى، سيد شهاب الدين، ملحقات احقاق الحق، ج2، ص 544-557.

 [12] ـ موحد ابطحى، سيد على، آية التطهير فى احاديث الفريقين، ج1، ص43

 [13] ـ شيرازى، سيد محمد، من فقه الزهرا، ج1، ص53، اين كتاب در قالب 320 صفحه به بحث‌ها و استنباط‌هاى فقهى از حديث كساء اختصاص يافته است و نشان از اهميت اين حديث نزد آيت الله العظمى شيرازى دارد.

 [14] ـ آيت الله العظمى سيدمحمد شيرازى( رحمه الله عليه) در سند حديث كساء از اين شخص ياد كرده، ولى نام كتاب او را ذكر نكرده‌اند.

 [15] ـ صدر اين حديث شريف در كتاب‌هاى بسيارى به سندهاى مختلف از شيعه و سنى آمده است. براى ديدن تمام حديث با ذيل آن ر.ك. طهرانى، ميرزا ابوالفضل، شفاء الصدور فى شرح زيارة العاشورا، ج1، ص225.

 [16] ـ الحموينى، فرائد السمطين، ج1، ص36؛ بحرانى، سيد هاشم، غاية المرام، ص5؛ ابو عبدالله الرازى، "ارجح المطالب"، ص461؛ شوشترى، قاضى نورالله، احقاق الحق، ج9، ص203، بحرانى، عوالم العلوم، ج1/12، ص22.

 [17] ـ در حديث آمده است كه امام صادق(عليه السلام) از فضيل مى‌پرسند: آيا شما شيعيان با هم جلسه تشكيل مى‌دهيد و زمانى كه پاسخ مثبت او را مى‌شنوند مى‌فرمايند: »ان تلك المجالس احبها، فاحيوا امرنا يا فضيل، رحم الله من اْءحيا امرنا ...» )مجلسى، بحارالانوار، ج44، ص282 و ج 71 ص260 و 351.( روايـات مـربـوط بـه ايـن بحـث بسيـار اسـت. علامه مجلسى( رحمه الله عليه) در "مرآة العقول"، ج9، ص53 در تفسير "حياة لامـرنا" مى‌فرمايند: «برپايى اين‌گونه جلسات و گفتگو از معارف اهل بيت(عليهم السلام) سبب پويايى و زنده ماندن دين و علوم و معارف اهل بيت(عليهم السلام) و امر امامت و ولايت آن‌هاست».

 [18] ـ ما ذكر خبرنا هذا فى محفل من محافل اهل الاْءرض، و فيه جمع من شيعتنا و محبينا، الا ونزلت عليهم الرحمة، و حفت بهم الملائكة و استغفرت لهم الى ان يتفرقوا ...

 [19] ـ القندوزى، ينابيع المودة، ص246، شوشترى، احقاق الحق، ج9، ص500 و ... براى ديدن تفصيل اين روايات ر.ك: آية التطهير فى احاديث الفريقين، ج2، ص327.

 [20]ـ موحد ابطحى، مير سيد حجت/ كرامات و عنايات فاطمه زهرا (سلام الله عليها) و نهضت فاطميه